

فصل نویسنده درباره حدود بیست مورد از این انجمن‌هایی که در ایالات و ولایات گوناگون ایران، از تبریز و گیلان تا ساری، مشهد، شیراز، قم و ... تأسیس شده بودند، گزارش داده که بسیار درخور توجه و مطالعه است و بر پیشرفت نهضت مشروطه در آن مناطق پرتو می‌افکند؛ قضاوت درباره انجمن‌ها عنوان فصل چهاردهم بخش دوم است که داوری‌های شمار نسبتاً زیادی از منابع اصلی تاریخ مشروطه، اعم از تواریخ، روزنامه‌ها، محققان تاریخ مشروطه و ... را درباره کارنامه انجمن‌ها در خود جای داده است و داوری‌های مثبت و منفی را شامل می‌شود. بسیاری از کسان بوده و هستند که درباره تأثیر انجمن‌ها در سرگذشت و فرجام مشروطه ایرانی ارزیابی و داوری منفی نموده‌اند و تدرروی‌های انجمن‌ها را عاملی مهم در شکست یا به‌نب‌بست رسیدن مشروطه دانسته‌اند. در پایان این فصل مهم و اساسی نویسنده، پس از آوردن شمار زیادی از داوری‌ها و ارزیابی‌های گوناگون، در جمع‌بندی نهایی خود چنین نوشته است: «بی‌تردید پیروزی نسبتاً سریع جنبش ضد استبدادی، فقدان آگاهی اجتماعی و هرگونه تجربه در زمینه مشارکت سیاسی و نیز اعمال خشونت از ناحیه هواداران رژیم استبدادی و زورمندان و گردنکشان، شرایط را برای افزایش آگاهی ایرانیان که تا چند ماه قبل فاقد هرگونه حقوق بوده و تنها رعیت بی‌مقدار سلطان محسوب می‌شدند، فراهم کرد. با این همه به نظر می‌رسد در ارزیابی منفی از کارکرد انجمن‌ها تا اندازه زیادی راه اغراق پیموده شده است. جنبش مشروطه‌خواهی و مشخصاً مجلس

اول بدون حمایت فعال انجمن‌های رسمی و غیررسمی و مطبوعات آزاد قادر به رویارویی با شاه و دربار و سایر هواداران نیرومند رژیم استبدادی نبود. بسیاری از مصوبات مجلس شورا و توشیح آن، به‌ویژه متمم قانون اساسی که متضمن حقوق و آزادی‌های فردی بود و نیز مصوبات کمیسیون مالی مجلس، بدون حمایت فعال انجمن‌ها تحقق نمی‌یافت.»

اما فصل پانزدهم — مفصل‌ترین و حجیم‌ترین فصل کتاب — دربردارنده تک‌نگاری مستند و مفیدی از شماری از انجمن‌ها (بیش از سی مورد) است. ضمایم کتاب نیز فهرست انجمن‌های آزاد در تهران و شهرستان‌ها و انجمن‌های رسمی به ترتیب الفبایی را در بر می‌گیرد که مجموعاً ۵۰۲ انجمن است.

همان‌گونه‌که از فهرست مباحث ارائه‌شده در کتاب بر می‌آید، مطالعه کتاب انجمن‌های عصر مشروطه می‌تواند ابعاد و زوایای ناشناخته‌ای از تاریخ مشروطیت را برای خواننده روشن کند و بگشاید و به‌ویژه از منظر «تاریخ اجتماعی» مشروطیت، کتابی منحصربه‌فرد به شمار می‌آید و به سهم خود خلأیی اساسی را در این زمینه پر کرده است.

عباس قدم\*

پی‌نوشت

\*عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی.

## «جریان‌شناسی چپ در ایران»

مركز تحقیقات کمپویر علوم رسانی

بررسی پیدایش، رشد، فراز و فرود و زوال جریان چپ در ایران، که از پدیده‌های مهم تاریخ معاصر کشورمان محسوب می‌شود، در شناخت بیشتر این دوره از تاریخ ایران بسیار مؤثر است. با وجود کتاب‌های بسیاری که در این باره نوشته شده است، از آنجاکه تاکنون اثری جامع، که تمام دوران حیات جریان چپ و همه گروه‌های آن را دربرگیرد، منتشر نگردیده است، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی پژوهشی را با دارا بودن چنین جامعیتی در دستور کار قرار داد که حاصل آن به صورت کتابی با عنوان «جریان‌شناسی چپ در ایران» در سال ۱۳۸۷ منتشر گردید. نویسنده این کتاب، حمید احمدی حاجیکلائی، طی این پژوهش کوشیده است به پرسش‌های ذیل در مورد جریان چپ پاسخ دهد: چگونه این جریان به‌وجود آمد؟ یا گرفت؟ رشد کرد؟ عمل نمود؟ و در چه قالب‌هایی جلوه یافت؟ و چگونه به سراسیمبی زوال افتاد.

همان‌طورکه از پرسش‌های این کتاب برمی‌آید، پژوهش از نوع توصیفی است و حالت تحلیلی ندارد؛ البته این مسئله ویژگی اکثر تحقیقاتی است که نگاهی جامع به پدیده‌ای باسابقه (دارای دوره حیات طولانی) و گسترده دارند. این کتاب دارای پنج فصل است که در ابتدای آن، مقدمه نویسنده قرار دارد. او در انتهای مقدمه کوشیده است مهم‌ترین آثار با موضوع جریان‌شناسی چپ را نقد و بررسی کند. این بخش از کتاب برای شناسایی مهم‌ترین منابع و مأخذ مربوط به چپ بسیار مفید است.

در فصل اول، «کلیات و مبانی»، مفهوم جریان‌شناسی، کاربردهای مفهوم چپ، اطلاق مفهوم چپ در ایران و ... شرح داده شده است.

در فصل دوم، سیر تطور جریان چپ در ایران از مشروطه تا زمان سقوط

رضاشاه بررسی شده است. معرفی نخستین گروه‌های چپ در ایران، حزب اجتماعیون‌عامیون، حزب عدالت، و حزب کمونیست و شرح اقدامات آن درخصوص نهضت جنگل و حکومت رضاخان از موضوع‌های اصلی این فصل است.

اولین آشنایی ایرانیان با اندیشه چپ به دوره حکومت قاجار بازمی‌گردد و این مسئله به دلیل همجواری ایران با روسیه تزاری بود؛ آن زمان به دلیل اوضاع نابسامان اقتصادی کشور، عده‌ای برای یافتن کار و زندگی بهتر به قفقاز مهاجرت کردند و در صنایع نفتی این منطقه مشغول به کار گشتند و در آنجا بود که جذب اندیشه سوسیالیسم و حزب سوسیال‌دموکرات قفقاز شدند. همین عده بعدها و در زمان جنبش مشروطه این اندیشه را به ایران منتقل کردند.

فصل سوم «جریان چپ در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰» نام دارد که در آن یکی از دوره‌های مهم حیات جریان چپ، یعنی سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰، که فضای باز سیاسی بر کشور ایران حاکم گردید و در پی آن حزب توده تأسیس یافت، و نیز سال‌های جنبش ملی مردم ایران به منظور ملی کردن صنعت نفت، بررسی شده است. در این فصل، برنامه‌ها و مواضع حزب توده ایران درخصوص امتیاز نفت شمال، نهضت ملی شدن صنعت نفت، انشعاب‌های این حزب، سازمان‌ها و تشکل‌های وابسته به آن، تأسیس حزب سوسیالیست و حزب دموکرات کردستان و... شرح داده شده است.

به نظر نویسنده، به این دلیل سلیمان میرزا اسکندری، در زمان تأسیس حزب توده، در صدر هیئت مرکزی کمیته قرار گرفت تا به انگلستان — که در آن زمان همپیمان شوروی بود — نشان دهد که حزب توده ایران سیاست خصمانه‌ای علیه این کشور اتخاذ نخواهد کرد؛ درواقع دولت شوروی خواهان آن بود که دولت انگلستان از حضور یک حزب کمونیستی در ایران احساس خطر نکند.

درباره موضوع‌گیری متغیر حزب توده در برابر نهضت ملی شدن نفت نیز باید گفت بخشی از این تصمیم‌ها به دلیل تبعیت این حزب از مواضع شوروی و بخشی دیگر به خاطر رقابت‌های داخلی آن و تحلیل‌های متفاوت در جناح‌های رهبری آن بود. به‌رصورت حزب فوق از تابستان سال ۱۳۳۱ به حمایت افراطی از دکتر مصدق روی آورد و از سوی دیگر به تشدید اختلاف میان آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق نیز کمک کرد، اما در زمان کودتا و براندازی دولت مصدق، اقدام شایسته‌ای در دفاع از او و دولتش انجام نداد.

در فصل چهارم با عنوان «تحولات جریان چپ در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ (تا پیروزی انقلاب اسلامی)»، شرح تحولات این جریان در این دو دهه و معرفی گروه‌هایی که در این زمان، براساس اندیشه چپ تأسیس شدند، نظیر سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، سازمان مجاهدین خلق، و... مدنظر قرار گرفته است.

سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به وسیله رژیم و به بن‌بست رسیدن شیوه‌های مسالمت‌آمیز مبارزه علیه حکومت سبب شد گروه‌های سیاسی به شیوه مبارزه مسلحانه و چریکی روی آورند، ازهمین‌رو در این دوره سازمان‌های مختلفی که مبارزه مسلحانه را مرام خود قرار داده بودند تشکیل شدند، اما این سازمان‌ها نیز در دستیابی به اهداف خود و براندازی رژیم پهلوی ناکام ماندند.

فصل پنجم، «جریان چپ پس از پیروزی انقلاب اسلامی» نام دارد که در

آن به تطور جریان چپ و گروه‌های مختلف آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی و موضع‌گیری آنها در برابر نظام جمهوری اسلامی توجه شده است.

در پایان نیز نویسنده نتیجه‌گیری خود را از پژوهش در بخشی جداگانه و ذیل عنوان نتیجه آورده است. به‌طور کل باید گفت جریان چپ به دلیل اتخاذ ایدئولوژی و استراتژی غیر واقع‌بینانه، فرقه‌گرایی و اختلاف داخلی و شکاف در اردوگاه کمونیسم جهانی، نداشتن پایگاه نیرومند مردمی، ذهنیت‌گرایی محض و... هرگز نتوانست به صورت یک جنبش نیرومند توده‌ای درآید و سرانجام با تلخ‌کامی به انزوا گرایید (تا سال ۱۳۵۴) و آنچه پس از آن در قالب اندیشه و ایدئولوژی چپ نمود یافت فقط ظاهری بیش نبود که می‌کوشید جریان چپ را حیاتی دوباره بخشد، اما بدون آنکه بکوشد خطاهای تاریخی این جریان را اصلاح و نقایص آن را برطرف سازد.

شایان ذکر است این اثر دارای ویژگی‌های ذیل است:

۱- علاوه بر آنکه پیدایی و فروپاشی گروه‌ها و جمعیت‌ها و فرودفرازی‌های آنان را بررسی کرده مواضع، کارکردها و رهبران و جناح‌بندی‌های داخلی آنان را نیز شرح داده است؛

۲- این اثر به دلیل آنکه همه ادوار و گروه‌های چپ، اعم از احزاب، جمعیت‌ها، محفل‌ها و هسته‌ها و جناح‌بندی داخلی آنها را از پیدایی تا فروپاشی بررسی نموده است، نسبت به آثار تألیفی، جامعیت در خور قبولی دارد؛

۳- در این پژوهش به مبانی و زیرساخت‌های معرفتی تحول و تطور تاریخی حیات سیاسی گروه‌های چپ توجه شده است؛

۴- در این اثر، تعامل گروه‌های چپ، در مقاطع مختلف، با جریان‌های دیگر داخلی و قدرت حاکم و همچنین قدرت‌های بین‌المللی و جریان چپ جهانی نیز شرح داده شده است؛

۵- در کتاب فوق، برای ارائه نما و صورتی روشن از جریان چپ، پیشینه تکوین، تکامل و تطور اندیشه چپ و تنوع و تکثر آن در خاستگاه اولیه‌اش بیان شده است که کمک شایانی به بازمی‌آوردن چپ و زیرساخت‌های معرفتی آن خواهد کرد؛

۶- نویسنده کتاب کوشیده است هر چند کوتاه، به خاستگاه و گرایشات فکری رهبران و بلندپایگان جمعیت‌های چپ اشاره کند؛

۷- در این پژوهش، چنان‌که از نام کتاب انتظار می‌رود، جریان چپ به صورت کلیتی دارای اجزای پراکنده ولی متصل و مرتبط به هم، در نظر گرفته شده است، ازهمین‌رو خواننده و محقق کاملاً سیر توالی و ترابط گروه‌ها و چگونگی این ترابط و توالی را به صورت متصل و پیگیر تعقیب می‌کند بدون آنکه از اجزای بسیار پراکنده آن احساس انفعال و گسست نماید. این، ویژگی لازم در نگارش تاریخ جریان‌هاست که متأسفانه اکثر آثار از آن بدورند؛

۸- تقسیم و طبقه‌بندی حیات سیاسی جریان چپ به ادوار معین و مشخص — با تعیین آغاز و پایان — در پژوهش، این امکان را فراهم می‌کند که مقطعی از تاریخ ایران در دوران معاصر موضوع تحقیق قرار داده شود و در آن، جایگاه، وضعیت و کارکردهای این جریان بررسی گردد.



زهرا کولیوند